یادکردی از مجاهدت‌های خالصانه سرلشکر شهید محمد صالح اسدی، از گمنام‌ترین فرماندهان شهید در جنگ تحمیلی رمضان

از شناسایی در والفجر۲ تا حضور در جنگ ۳۳ روزه

بزرگداشت سردار شهید اسدی با حضور برادرش سردار محمد جعفر اسدی نقاشی شهید در دست

علیرضا محمدی

سرلشکر پاسدار شهید محمد صالح اسدی، معاون اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) از نخستین شهدای جنگ تحمیلی سوم بود که در جلسه فرماندهان نیروهای مسلح و در هنگام بمباران بیت رهبری به شهادت رسید. شهید اسدی را به واقع باید یکی از گمنام‌ترین شهدای این جنگ بدانیم که علی‌رغم سال‌ها حضورش در جبهه‌های جنگ تحمیلی هشت ساله و سپس در جبهه مقاومت اسلامی هیچ‌گاه آن طور که باید شناخته نشد و البته علت این مسئله نیز اشتغالش در کارهای اطلاعاتی بود که او از بدو رزمندگی‌اش به آن پرداخته بود. این شهید گران‌قدر به عنوان یکی از سربازان گمنام امام زمان(عج) سال‌ها بی‌ادعا جنگید و نهایتاً هم مزد اخلاصش را با شهادت گرفت. سرداری که حتی پس از شهادتش هم چهره‌ای گمنام برای عموم مردم است.

* * *

حضور در جبهه کردستان

شهید محمد صالح اسدی متولد ۵ آذر ماه ۴۲ در شیراز بود. در زمان انقلاب او ۱۵ سال داشت، اما مثل خیلی از نوجوان‌های آن زمان، به قدر توانش در پیشبرد انقلاب نقش داشت. شهید اسدی پس از پیروزی انقلاب، دقیقاً همان راهی را پیمود که خیلی از سرداران و فرماندهان جوان جنگ تحمیلی هشت ساله پیموده بودند. او بلافاصله پس از آنکه از وقایع کردستان مطلع شد، در سال ۵۸ و زمانی که ۱۶ سال داشت، راهی جبهه‌های غرب شد. جنگ در کردستان آن روزها، یک جنگ عقیدتی بود، به این معنا که خیلی از مردم از لزوم حضور در این جبهه مطلع نبودند. اما جوان‌های انقلابی که همه هستی خود را وقف پیروزی انقلاب و سپس حفظ آن کرده بودند، احساس دین می‌کردند تا خود را به جبهه کردستان برسانند.

به همین ترتیب، شهید اسدی با احساس تکلیف به حفظ انقلاب، در سنین نوجوانی وارد جبهه کردستان شد و پس از هجوم ارتش بعث عراق به کشورمان، بلافاصله از جبهه کردستان به جبهه خوزستان رفت و چندین سال در جنگ تحمیلی هشت ساله جنگید و در این مسیر بارها تا مرز شهادت و جانبازی پیش رفت.

ورود به واحد شناسایی

آن طور که از خاطرات شهید اسدی برمی‌آید، او در همان روزهای حضور در جبهه کردستان، در جایگاه یک نیروی شناسایی وارد عمل می‌شود و بعدها همین کارهای مقدماتی، باعث می‌شود که وارد کارهای اطلاعاتی شود.

عبدالله عمیدی از همرزمان شهید اسدی در خصوص حضور ایشان در جبهه کردستان می‌گوید: «چیزی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که شهید اسدی همراه با جمعی از پاسداران وارد کردستان شدند و به مبارزه با ضد انقلاب و گروهک‌های جدایی‌طلب پرداخت. از زبان خودش شنیدم که می‌گفت وقتی وارد منطقه شدیم و قرار شد با گروه‌های ضد انقلاب مقابله و امنیت منطقه را تأمین کنیم، به صورت فطری و با استفاده از آموزه‌های دینی و تاریخی اسلام، خود به خود چیزی به نام افراد شناسایی را لازم دیدیم و همزمان تعدادی از بچه‌ها به عنوان نیروهای اطلاعات - شناسایی وارد عمل شدند. به هر ارتفاعی که می‌خواستیم برویم یا هر مأموریتی که می‌خواستیم انجام دهیم، یکی دو نفرمان پیشتاز می‌شدند و مسیر را شناسایی می‌کردیم تا بعد بقیه جمع‌مان وارد آن منطقه یا محدوده شوند و عملیات را انجام دهند. من از آنجا کار شناسایی را آغاز کردم.»

بنیان‌گذار واحد اطلاعات - شناسایی

شهید اسدی دو بار به جبهه کردستان اعزام شده بود که بار دوم مصادف با حمله دشمن بعثی به کشورمان بود. خود شهید می‌گوید «بار دوم که به کردستان رفتم جنگ رژیم بعثی حاکم بر عراق علیه کشور آغاز شد و من بعد از ۱۵ روز از آغاز جنگ از کردستان تسویه گرفتم و راهی جنوب و اهواز شدم. از اهواز رفتم جبهه فارسیات که برادرم محمدجعفر فرماندهی آن خط را برعهده داشت. براساس تجربه کردستان و نیازی که در هدایت نیروها و انجام مأموریت‌ها حس می‌شد، اینجا و در فارسیات هم کارهایی که انجام می‌دادیم ابتدا برایش شناسایی می‌کردیم».

یکی از همرزمان شهید اسدی با مرور خاطرات حضور ایشان در جبهه کردستان، این‌طور استدلال می‌کند که شهید اسدی را باید از پیشگامان و بنیان گذاران واحد اطلاعات - شناسایی در سپاه بدانیم. ایشان می‌گوید «اگر شهید محمد صالح اسدی را یکی از تعداد افراد محدودی که پیش از دفاع مقدس هت ساله و ابتدای آغاز تجاوز رژیم بعثی حاکم بر عراق به ایران، از بنیان‌گذاران شناسایی بنامیم، حرف بیراهی نباشد. البته نسبت دادن چنین وقایعی به کسانی که هیچ‌گاه در پی نام و نشان و شهرت و اسم و رسم نبوده‌اند کار دشواری است، چراکه به سختی می‌توان در گفته‌ها و زندگی آنان اسنادی یافت که خودشان چنین ادعایی کرده باشند. البته ما براساس نیاز تاریخ‌نگاری برای واحد اطلاعات لشکر ۳۳ المهدی(عج) مصاحبه‌هایی که با ایشان انجام داده‌ایم لازم بوده ایشان برخی از مطالب را به ترتیب تاریخ بیان کند که می‌توان به آنها استناد کرد».

> فرماندهی اطلاعات سپاه لبنان باعث شد تا شهید اسدی در جنگ ۳۳ روزه حضور چشمگیری داشته باشد و در این مقطع حساس، با رژیم صهیونیستی به جهاد بپردازد. اما پیش از آنکه حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ با اسرائیل بجنگد و آن‌ها را شکست بدهد، نیاز به مقدماتی بود که این مقدمات با حضور افرادی چون سردار محمد صالح اسدی حاصل شد

۴ بار مجروحیت و ۳ بار شیمیایی

شهید اسدی که از ابتدای جنگ به جبهه جنوب رفته بود، تا پایان جنگ در جبهه‌های دفاع مقدس ماند و سمت‌های مختلفی را نیز تجربه کرد. معاونت اطلاعات لشکر ۳۳ المهدی شیراز یکی از همین مسئولیت‌ها بود که او سال‌ها در آن به انجام وظیفه پرداخت و بارها تا مرز شهادت پیش رفت. چهار بار مجروحیت و سه بار شیمیایی شدید، بخشی از مجروحیت‌های شهید بود که عوارض آن تا پایان عمر با او همراه بود.

این شهید گران‌قدر در طول دوران حضورش در جبهه‌های جنگ تحمیلی، در عملیات مختلف نیز حضور داشت. عملیات والفجر ۲ در تابستان سال ۱۳۶۲ یکی از این موارد بود که مسئولیت شناسایی منطقه عملیاتی آن برعهده نیروهای واحد اطلاعات - عملیات لشکر المهدی گذاشته شد و شهید اسدی و یارانش تلاش‌ها و مجاهدت‌های بسیاری داشتند.

خاطراتی از عملیات والفجر ۲

سرلشکر اسدی، سال‌ها قبل و در اوایل دهه ۷۰، در مجموعه روایت فتح حضور یافته و خاطراتی از حضورش در عملیات والفجر ۲ را بیان کرده بود. این بخش از خاطرات ایشان مربوط به شناسایی منطقه عملیاتی در جبهه‌های شمال غرب می‌شد.

شهید اسدی در بیان خاطرات این عملیات گفته بود «در مقطعی که قرار بود عملیات صورت گیرد، استقبال نیروهای مردمی که شاکله جنگ را حضور آنها ایجاد می‌کرد با تبلیغات دشمن دچار تردید شده بود. فشار اقتصادی، جنگ روانی و سیاسی همگی باعث شده بود فرماندهان جنگ مجاب شوند که باید حرکتی صورت گیرد. لذا طرح عملیاتی در دستور کار قرار گرفت و این مأموریت را به لشکر ۳۳ المهدی(عج) دادند. ما رفتیم از مقر ابوقریب وارد عمل شدیم. تیم ما شامل نفراتی چون: حاج محمود ستوده، کرامت رفیعی، علی الوانی، مرحوم حاج اکبر رحمانیان و آقای ذوالقدر بود. ما رفتیم در منطقه، اوج کار در این محور بود. یکی از بچه‌های ما به همراه یک گروه از کردها رفتند تا داخل روستای زینو. اسماعیل توکلیان رفت که واقعاً کار خیلی خطرناکی بود؛ چون باید به دل منطقه‌ای می‌رفت که در اختیار دشمن بود. آن قدر وضعیت منطقه صعب‌العبور بود که کسی را نمی‌توانستی پیدا کنی پایش تاول نزده باشد. همه آن قدر راه رفته بودیم که خسته بودیم. اما با وجود این بچه‌ها می‌رفتند و کار شناسایی را تکمیل می‌کردند. هر جایی هم می‌رفتیم و به بن‌بست می‌رسیدیم، راه دیگر پیدا می‌کردیم و کار را ادامه می‌دادیم».

همرزمی با شهید حاج قاسم سلیمانی

اوایل دهه ۷۰ و زمانی که لشکرهای عملیاتی خطوط دفاعی خود را در مناطق دفاع مقدس واگذار کردند و به استان‌های خود برگشتند، حاج قاسم سلیمانی به مبارزه با اشرار و قاچاقچی‌ها در مناطق وسیعی از کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب، و خصوصاً در دهه ۶۰ به دلیل اینکه عمده توجه رزمندگان معطوف جنگ تحمیلی هشت ساله بود، اشرار پیشروی زیادی در منطقه کرده بودند. بنابراین، بعد از پایان دفاع مقدس احساس نیاز می‌شد تا امنیت در منطقه حکمفرما شود.

در همین زمان بود که به دلیل تجربیات بسیار ارزشمند شهید اسدی در دوران دفاع مقدس و در امر شناسایی مناطق، ایشان به لشکر ۴۱ ثارالله رفت و همرزم شهید سلیمانی در امر مبارزه با اشرار شد. این دوره جهادی، زمینه آشنایی شهید اسدی و حاج قاسم را فراهم آورد و پس از آنکه شهید سلیمانی فرماندهی نیروی قدس سپاه در سال ۱۳۷۶ را برعهده گرفت، شهید اسدی نیز به نیروی قدس رفت و مسئول اطلاعات سپاه لبنان شد.

شناسایی ساختار رژیم صهیونیستی

مسئولیت جدیدی که شهید اسدی از طریق نیروی قدس سپاه در لبنان یافته بود، باعث شد او در جنگ ۳۳ روزه حضور چشمگیری داشته باشد و در این مقطع حساس، با رژیم صهیونیستی به جهاد بپردازد. اما پیش از آنکه حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) با اسرائیل بجنگد و آنها را شکست بدهد، نیاز به مقدماتی بود که این مقدمات با حضور افرادی چون سردار محمد صالح اسدی طی سال‌های حضورش در لبنان فراهم شده بود.

سرلشکر شهید محمد صالح اسدی

> شهید اسدی دو بار به جبهه کردستان اعزام شد که بار دوم مصادف با حمله دشمن بعثی به کشورمان بود. خود شهید می‌گوید بار دوم که به کردستان رفتم جنگ رژیم بعثی حاکم بر عراق علیه کشور آغاز شد و من بعد از ۱۵ روز از آغاز جنگ از کردستان تسویه گرفتم و راهی جنوب شدم. رفتم جبهه فارسیات که برادرم محمدجعفر فرماندهی آن خط را برعهده داشت

در واقع زحمات شهید اسدی و دیگر رزمندگان ایرانی و لبنانی باعث شد تا اشراف حزب‌الله لبنان به ساختار نظامی و سیاسی رژیم صهیونیستی کامل‌تر شود و وقتی که جنگ ۳۳ شروع شد، حزب‌الله توانست ضربات سختی را به پیکره منحوس اشغالگران قدس وارد آورد.

همرزمی با سرلشکر شهید محمد پاکپور

در سال ۱۳۹۲، شهید اسدی با کوله‌باری از تجربه که عمده این تجربیات در مناطق عملیاتی کسب شده بود، به سمت معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه منصوب شد. در آن زمان شهید محمد پاکپور به عنوان فرمانده نیروی زمینی سپاه، مبارزه بی‌امانی را با اشرار و گروه‌های تروریستی در سراسر کشورمان آغاز کرده بود. چنانکه از شهید پاکپور به عنوان معمار امنیت پایدار ایران یاد می‌کنند.

شهید اسدی نیز تجربیاتش را در اختیار نیروی زمینی سپاه قرار داد و دوشادوش شهید پاکپور و دیگر رزمندگان نیروی زمینی سپاه، به مبارزه با اشرار و تروریست‌ها پرداخت. مبارزه با پژاک و گروه‌های جدایی‌طلب در شمال‌غرب و جنوب‌شرق کشور، از جمله خدمات شهید اسدی در این دوره از فعالیت‌های جهادی‌اش بود. نهایتاً او پس از سال‌ها خدمت در عرصه‌های مختلف، به عنوان معاون اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) منصوب شد و صبح روز ۹ اسفندماه در جلسه فرماندهان نظامی در بیت رهبری به شهادت رسید.

خاطره میثم مطیعی از شهید اسدی

شهید اسدی را باید به واقع یکی از گمنام‌ترین سرداران و فرماندهان سپاه بدانیم. این نکته در زندگی شهید اسدی آن قدر پررنگ است که میثم مطیعی، مداح اهل بیت(ع) نیز در یکی از برنامه‌هایی که در بزرگداشت این شهید برگزار شده بود، عنوان کرده و گفته بود «شهید اسدی، یک شهید واقعاً مظلوم است، چراکه ایشان به عنوان یک نیروی اطلاعاتی، بسیار گمنام و ناشناخته است و خیلی از مردم ایشان را نمی‌شناسند».

وی همچنین در بیان خاطره‌ای از شهید اسدی اظهار داشته بود که یکی از همرزمان شهید اسدی برای ما تعریف می‌کرد تقریباً دو هفته مانده به شهادت ایشان، در جلسه‌ای بودیم. به نماز ظهر رسیدیم و نماز را ادا کردیم. بعد از خواندن نماز، فضای خاصی ایجاد شد و یکسری حرف‌های دلی بین ما رد و بدل شد. شهید اسدی حرفی را زد که همیشه در ذهنم ماندگار شد. ایشان آن روز گفت وقتی که من جوان بودم، هرچی از من برمی‌آمد برای انقلاب انجام دادم و تمام توانم را گذاشتم. حالا نوبت به شما جوان‌هاست که هرچه در توان دارید برای انقلاب مایه بگذارید.

ناگفته‌هایی از جنگ

شهید اسدی به جهت توجهی که به پاسداری از ارزش‌های دوران دفاع مقدس هشت ساله مردم ایران داشت، در سال ۷۶ کتابی تحت عنوان «ناگفته‌هایی از جنگ» منتشر می‌سازد و در آن به خاطرات جنگ تحمیلی می‌پردازد. تدوین این کتاب در حالی بود که او مشغله‌های بسیاری داشت و علی‌رغم تمامی آنها، سعی می‌کند تا آنجا که می‌تواند در حفظ خاطرات آن دوران پرشکوه همت بگمارد. در بخشی از کتاب ناگفته‌هایی از جنگ به قلم شهید اسدی می‌خوانیم «عبدالجلیل یک افسر رده‌بالای توپخانه عراق در دوران رژیم بعث بود. زمانی که جنگ علیه کشورمان آغاز شد او نیز به مانند دیگر فرماندهان و افسران موظف بود در جبهه جنگ شرکت کند. اما قبل از حضور در منطقه عملیاتی مادرش به او گفته بود که تو را به خدا به طرف ایرانی‌ها تیراندازی نکن. ایرانی‌ها شیعه هستند و رهبر آنها آقای خمینی است. او ابن‌رسول‌الله است. او فرزند فاطمه زهرا(س) است و من از روی رسول خدا(ص) و حضرت فاطمه زهرا(س) خجالت می‌کشم. به جبهه برو اما به ایرانی‌ها شلیک نکن و اگر نتوانستی، فرار کن...».

اکنون که سال‌ها از جنگ تحمیلی می‌گذرد، نزدیکی دو ملت ایران و عراق در تشییع پیکر امام شهید به خوبی نمایان شد. این دوستی و برادری مردم دو کشور ماحصل تلاش مجاهدانی است که همواره در جبهه حق ایستادند و پس از اتمام جنگ تحمیلی هشت ساله، برای نزدیکی دو ملت ایران و عراق تلاش کردند. شهید اسدی یکی از همین رزمندگان بود که همواره دیدگاه بالایی به مسائل داشت و نزدیکی ملت ایران با ملت‌های منطقه، چون مردم عراق ماحصل چنین دیدگاه والایی است.

جدول

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱									■						
۲						■				■					
۳				■			■				■				
۴			■					■				■			■
۵		■				■			■					■	
۶					■					■			■		
۷				■			■				■				
۸			■					■					■		
۹					■				■			■			
۱۰			■			■					■				
۱۱		■					■			■				■	
۱۲	■			■				■					■		
۱۳					■				■			■			
۱۴						■				■					
۱۵							■								

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۶۶۶

از راست به چپ

■ ۱- داده‌های کامپیوتری - نام درختی خاردار که در حاشیه خیابان‌ها کاشته می‌شود ■ ۲- یک پای ثابت بستنی - پوییدن و کوشیدن - اتفاق و پیشامد ■ ۳- ته‌چک - مخفف هستم - نوبت بازی - مرغ سخنگو ■ ۴- خط‌کش مهندسی - شنیداری - جزیره زادگاه ناپلئون - ابر غلیظ ■ ۵- شتر بارکش - ضمیر اشاره - خانه با عرصه مشجر ■ ۶- قوی‌تر - خرج زندگی زن و فرزند - رها و آزاد - از حروف صدادار ■ ۷- درجه‌ای در رشته‌های رزمی - خرس آسمانی - نوشابه لبنی - زمین شوره‌زار ■ ۸- صدایش طنین زندگی است - پادشاهان - سریع‌ترین روش شنا - غیر و مگر ■ ۹- تنها جزیره اروندرود - کاشتن نهال یا درخت - غوزه پنبه - عدد سه‌رقمی ■ ۱۰- یار شیرازی - ویتامین انعقاد خون - گل‌به‌سر جالیزی - وارونه قزاق ■ ۱۱- جزیره آتشفشانی ایتالیا - آرواره - دهی در تهران ■ ۱۲- از خواهران انگلیسی نویسنده - کاسه‌گردان - آشنا و ماهر در کار - شهر مرکبات ■ ۱۳- واحد بزرگ نظامی - شک و گمان - ورزش مادر - مهمترین عامل تصفیه آلودگی هوا ■ ۱۴- هوشمندی - ضربه شدید روانی - الهه‌ای در یونان باستان ■ ۱۵- پایتخت آلبانی - ورزشی با توپ پردار

از بالا به پایین

■ ۱- پیشگوی معروف فرانسوی - خوشی؛ گوارایی ■ ۲- روایت‌کننده - اولین جانی تاریخ - غده‌ای در چشم ■ ۳- خو و سرشت - رنگ - مقابل اعتراف ■ ۴- حرف خطاب - جانب و طرف - فرشینه - جایز و شایسته ■ ۵- نوعی الماس - سرای مهر - علامت کالا - واحد وزنی ■ ۶- حرف همراهی عرب - استعداد سرشار - نشتر رگ‌زنی ■ ۷- برگ برنده - فدراسیون بین‌المللی دو و میدانی - سست و بی‌حال - استراحت زمین زراعی برای حاصلخیزشدن خاک ■ ۸- تندر - معامله مطلوب کاسب - شمشیر - بساط و فرش ■ ۹- گاو تبتی - ضربه‌ای در تنیس - انعکاس صدا - عدد رمزی ■ ۱۰- مهار شتر - خودبینی و خودپسندی - اسم آذری ■ ۱۱- تورفتگی ظرف بر اثر ضربه - عرضه خوردنی و نوشیدنی به حاضران - غذای سنتی - مدخل ■ ۱۲- ترشرویی - ماده ضدعفونی‌کننده پزشکی - در دیابت مقدارش در خون بالا می‌رود - پول ژاپن ■ ۱۳- کهن و دیرینه - تیم فوتبالی در یونان - پول تایلند ■ ۱۴- هاون - کوتاه‌کردن سخن - فیلم مهرجویی ■ ۱۵- وفای به عهد - شخص لاغر و نحیف، که به ویژه لفظ قلم صحبت می‌کند

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۵		۸		۶	۲			۹
								۳
۲			۹	۷				
						۵	۹	
			۲		۹		۴	
	۴	۶						
			۸	۵	۷			
	۶	۵						
						۸	۲	

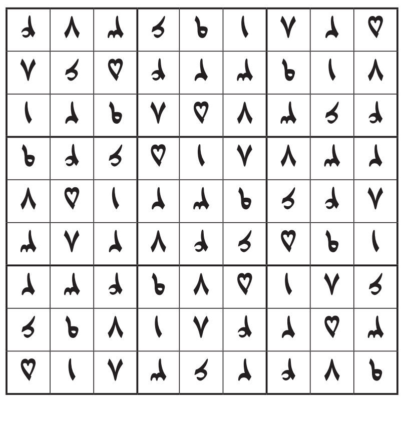

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۶۶۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ا	ر	ک	ی	ن	س	و	ن	■	س	و	پ	ا	پ
۲	ل	پ	■	ف	ر	ی	ب	ا	■	خ	ل	ا	ل	■	ا
۳	ی	ا	س	■	ا	ر	د	■	ب	ا	ط	ن	■	ج	ر
۴	س	ر	و	ر	■	و	■	ل	و	ز	ه	■	ک	ی	ا
۵	■	ت	ا	ن	ک	■	و	ک	■	ن	■	ک	ب	ر	ا
۶	م	م	ل	و	■	ک	ا	ل	ج	■	ه	ل	ا	ه	ل
۷	ر	ا	ی	■	ق	ل	م	ک	ا	ر	■	ی	ب	■	م
۸	ز	ن	■	ح	د	ا	د	■	و	ح	ی	د	■	م	پ
۹	ب	■	ر	ج	■	س	ا	ر	د	ی	ن	■	ه	ج	ی
۱۰	ا	ت	ف	ا	ق	■	ر	و	ا	ل	■	س	م	ا	ک
۱۱	ن	م	ا	ز	■	ح	■	د	ن	■	غ	ر	و	ر	■
۱۲	ن	و	ه	■	ت	س	م	ه	■	ش	■	ک	ا	س	ت
۱۳	ا	ز	■	ر	ک	و	ع	■	ب	ا	ز	■	ر	ت	ق
۱۴	م	■	ص	ع	و	د	■	م	ر	ط	و	ب	■	ا	و
۱۵	ه	ا	ف	ب	ک	■	ی	ا	د	ر	م	ی	ا	ن	ی